

صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری

(مطالعه موردی رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو و پیامدهای آن در دیوان عدالت اداری)

محمد اسدی جونوشی*

چکیده

اولین مرحله رسیدگی به تخلفات اداری، بررسی صلاحیت رسیدگی توسط هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و آخرین مرحله، لزوم صدور رأی متناسب با شرایط متخلفین است. آرای صادره از هیئت‌های مذکور قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است. علاوه بر دیوان عدالت اداری، هیئت عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری نیز می‌تواند آرای هیئت‌ها را ابطال نماید. هیئت‌های رسیدگی به تخلفات قبل از شروع رسیدگی باید به صلاحیت رسیدگی که در اولین ماده از قانون رسیدگی به تخلفات اداری بر آن تأکید شده است و همچنین صدور رأی متناسب با شرایط متخلفین در زمان مختومه کردن پرونده‌ها توجه نمایند. در این نوشتار آرای صادره از هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو، شعبه بیست و سوم و شعبات تشخیص دیوان عدالت اداری که با شکایت و اعتراضات متهم از رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری در شعبات مختلف دیوان عدالت اداری مطرح شده و در نهایت مورد نقض قرار گرفته است مورد بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: صلاحیت رسیدگی، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری، محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس.

مقدمه

هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو که باید الگویی برای سایر هیئت‌های زیرمجموعه باشد، با خروج از مقررات مرتبط با صلاحیت رسیدگی، اقدام به اخذ تصمیمی می‌نماید که رفع اثر از آن قریب به ده سال به طول می‌انجامد. عدم رعایت این اصل مهم به عنوان یکی از تخلفات اداری در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری قید شده است. به موجب بند ۲ آن ماده قانون، نقض قوانین و مقررات مربوط، تخلف اداری محسوب می‌شود. همانگونه که از صورتجلسه هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو که در متن مقاله به آن اشاره خواهد شد مشخص است در حالی که اعضای آن هیئت به کرات بر عدم صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده متشکله علیه متهم تأکید می‌ورزیده‌اند، در نهایت تشکیل جلسه داده و با خروج از قاعده صلاحیت رسیدگی در خصوص آقای م- الف، حکم به محکومیت دائمی وی از انتصاب به مشاغل حساس را صادر می‌نمایند. در صورتی که هیئت برای قضاوت صحیح به ایرادها، مستندات و دلایل متهم توجه می‌کرد، ناچار نبود در چندین سال بعد به موجب صورتجلسه دیگری به صراحت بر خروج از دایره صلاحیت رسیدگی اشاره و تصمیم قبلی خود را نقض نماید. از طرف دیگر از تشکیل پرونده‌های متعدد در دیوان عدالت اداری که بیش از ده سال زمان و هزینه صرف رسیدگی به آن شده جلوگیری می‌گردید. حاصل بررسی رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری و آرای مرتبط با موضوع که از دیوان عدالت اداری صادر شده‌اند مشخص خواهد کرد چگونه آرای مبتنی بر خروج از صلاحیت واخذ تصمیم نامتناسب با شرایط متهمین، علاوه بر صرف هزینه‌های بسیار برای رفع اثر کردن آن، امنیت شغلی افراد را به میزان بسیاری در معرض خطر قرار خواهد داد.

۱. بررسی رأی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو و ایرادات آن

در حاکمیت قانون، که بیانگر ساختار هنجاری و نهادی یک دولت مدرن است، وظیفه تضمین حق‌های فردی به نظام حقوقی سپرده شده است (بابازاده و یآوری، ۱۳۹۳: ۱۴). قوانین و مقررات اداری مرتبط با حقوق کارکنان، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نظام حقوقی علاوه بر تضمین منافع عمومی، بر امنیت

شغلی آنها نیز تأکید می‌نماید. زیرا نتیجه تصمیمات و اقدامات مغایر با مقررات اداری با مسائل شغلی، استخدامی و آبرو و حیثیت کارمندان در ارتباط است و می‌تواند آثار سوئی بر زندگی شخصی، اجتماعی و خانوادگی آنها بر جای گذارد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰۴). با بررسی رأی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو مشخص خواهد شد، موارد اشاره شده نادیده گرفته شده است. در آن رأی، صرف نظر از اینکه نام خانوادگی متهم به صورت کامل درج نشده بلکه متهم، مستخدم رسمی و در حالت استخدامی شاغل نیز نبوده است. درج مستخدم رسمی و در حالت استخدامی شاغل موجب شده است تا قضاوت دیوان عدالت اداری بر اساس آن به کرات دادخواست متهم را رد نمایند. زیرا متهم صرفاً با تعیین حق الزحمه ساعتی و در ساعاتی محدود خدمت نموده و به موجب قرارداد تنظیمی قسمت عمده آن نیز بعد از وقت اداری در منزل انجام می‌شده است. با مطالعه رأی، مشخص خواهد شد مابقی مشخصات متهم، که می‌توانست عامل مهمی در توجه هیئت رسیدگی به تخلفات اداری بر صلاحیت رسیدگی باشد نیز در قسمت‌های مشخص شده درج نشده است.

مشخصات رأی

شماره رأی: ۱۶۳

تاریخ: ۱۳۸۴/۱۱/۸

مرجع صدور رأی: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو

جلسه هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۹ با حضور سه نفر از اعضا جهت رسیدگی به اتهامات آقای م- الف، مستخدم رسمی (بقیه مشخصات تعیین نشده و مکان‌های تعیین شده برای درج آن مشخصات، همگی خالی است) و در زمان صدور رأی در حالت استخدامی شاغل بوده تشکیل شد. با ملاحظه اسناد و مدارک موجود در پرونده و با توجه به شرح گردش کار مذکور در ذیل، اتهام منتسب به متهم که منطبق است با بند ۲ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری محرز گردید. لذا به استناد بند «و» ماده ۹ قانون مذکور در فوق به مجازات محکومیت از انتصاب به مشاغل حساس محکوم می‌گردد. این «رأی» قطعی است.

رأی مذکور در فوق علاوه بر ایرادهای شکلی متعددی که به آنها اشاره شد، دارای ایرادهای ماهوی بسیاری است که به مهم‌ترین آنها در بندهای زیر اشاره می‌شود.

۱- مطابق دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری هیات عالی نظارت مورخ ۱۳۷۸/۸/۴، حداکثر مدت رسیدگی هر هیئت از تاریخ ارجاع یا وصول پرونده یا اعلام اتهام تا زمان صدور رأی سه ماه است و هیئت‌ها موظفند تا ترتیبات لازم را در این زمینه اتخاذ نمایند. بر رعایت این مقرر در قسمت انتهایی رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۲۰۴ مورخ ۱۳۸۰/۶/۲۵ نیز تأکید شده است. به موجب آن رأی وحدت رویه و آرای متعدد دیگر، رعایت اصل سرعت و ممنوعیت تأخیر در رسیدگی هیئت‌ها امری ضروری است. برخلاف مقررات اشاره شده، هیئت مذکور بعد از سپری گردیدن بیش از پنج سال از وصول گزارش سازمان بازرسی شروع به رسیدگی می‌نماید. صرفنظر از مقرره‌های فوق، پرداختن به موضوعی که با گذشت سالیان متمادی، مستندات آن از بین رفته و دسترسی متهمین به آن مدارک غیرممکن و یا مشکل است، اصولاً وجاهت منطقی نیز نخواهد داشت.

۲- علاوه بر آن هیئت مذکور شفافیت و تصریح بر عناوین قانونی تخلف را در مراحل ابلاغ اتهام و رسیدگی نادیده گرفته است. عناوین قانونی تخلفات اداری در بندهای مختلف ماده ۸ از قانون رسیدگی به تخلفات اداری احصا شده است و هیئت‌های رسیدگی کننده باید در برگ ابلاغ اتهام، مصادیق تخلفات انتسابی را به تفکیک و با ذکر جزئیات کتباً ابلاغ کنند؛ زیرا متهم زمانی می‌تواند از خود به نحو کامل دفاع نماید که از مصادیق تخلفات انتسابی کاملاً اطلاع داشته باشد. اگر متهم از مصادیق تخلفات انتسابی کاملاً اطلاع نداشته باشد و صرفاً مصادیق کلی تخلفات انتسابی به وی ابلاغ شود، در واقع حق دفاع به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مصادیق دادرسی عادلانه برای متهم به تخلف، نادیده

گرفته شده است (نکوئی، ۱۴۰۰: ۱۹۵). در پرونده مورد بررسی، هیئت، صرفاً قسمت‌هایی از صفحات ۴۰ و ۴۱ گزارش سازمان بازرسی را با ابتدا و انتهای نامشخص که متهم از تنظیم آن کاملاً بی‌اطلاع بوده است را بعد از گذشت چندین سال به وی ابلاغ می‌نماید. در مرحله ابلاغ اتهام، هیئت موضوع را تبعیض بین متقاضان در صدور مجوز حفز و بهره‌برداری دانسته ولی مشخص نکرده است که بایستی به متقاضی مجوز ارایه می‌گردید و یا اینکه عدم ارایه مجوز منجر به تبعیض شده است. ممکن است در انتهای گزارش به نوع تبعیض اشاره شده باشد، ولی به دلیل عدم ابلاغ آن، موضوع برای متهم تاکنون نیز در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. این در حالی است که متهم در لایحه ارسالی به هیئت، ضمن اشاره به موارد فوق، تقاضای مشخص نمودن تبعیض مورد ادعا را کرده است. مطابق ماده ۲۱ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری، با تقاضای مستخدم برای دفاع حضوری، هیئت موظف است تاریخ و محل رسیدگی را به طور کتبی به اطلاع متهم برساند، ولی در پرونده متشکله علی‌رغم درخواست متهم برای مشخص شدن جزئیات اتهام، آن هیئت نسبت به خواسته وی توجهی نکرده است.

۳-۱. بر اساس ماده ۹۱ آیین‌نامه اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری هیئت مکلف بود با ملاحظه اسناد و مدارک ارایه شده توسط متهم و توجه به مدافعات وی که در رأی وحدت رویه شماره ۸۳ مورخ ۱۳۷۸/۰۳/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بر آن تأکید شده است رای صادر نماید. علاوه بر آن یکی از الزامات دادرسی منصفانه، مستند و مستدل بودن آرای هیئت‌ها است؛ چرا که مستند و مستدل بودن آرای هیئت‌ها هم دلایل و مستندات حکم محکومیت را برای کارمند روشن می‌کند و هم امکان بهتر نظارت بر آرای هیئت‌ها را فراهم می‌نماید (گرچی از ندریانی و فتحی، ۱۳۹۴: ۴۰). در صورتی که هیئت لایحه را مطالعه و جزئیات اتهام را برای متهم مشخص می‌کرد، رأی آن هیئت توسط هیئت عالی نظارت و شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری فاقد اثر اعلام نمی‌شد.

با توجه به ابهامات موجود در برگ ابلاغیه، متهم ناچار می‌شود در لایحه مفصل ارسالی به هیئت تخلفات اداری بر اساس حدس و گمان و با ابداع انواع اتهامات از جنبه‌ها و زوایای مختلف به دفاع بپردازد. اما هیئت توجهی به مفاد لایحه ارسالی نکرده و با خروج از قاعده صلاحیت، حکم به محکومیت دائمی متهم از انتصاب به مشاغل حساس را صادر می‌نماید. آن هیئت علی‌رغم اینکه وفق ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، تکلیف داشته است در متن رأی قطعی صادرشده، مهلت یک ماهه شکایت به دیوان عدالت اداری را تصریح کند از این وظیفه مهم قانونی سرپیچی کرده و اقدام به اخذ تصمیمی برخلاف ضوابط مندرج در قوانین و آرای وحدت رویه می‌نماید.^۱ با توجه به مراتب فوق و عدم توجه هیئت به قوانین ومقررات، متهم از آن رای به دیوان عدالت اداری شکایت می‌نماید.

۲. بررسی رأی شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری و ایرادات آن

دیوان عدالت اداری در مقام نظارت و بازنگری می‌تواند تصمیمی را که با مقررات از جمله اصول مرتبط با صلاحیت باشد را ابطال نماید. بر این اساس متهم با ذکر تمامی موارد فوق که عدم رعایت آنها از مصادیق بارز تخطی از اصول و قواعد آمره تلقی و موجب نقض آراء هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری است، اقدام به طرح شکایت در دیوان عدالت اداری می‌نماید. در ادامه پرونده در شعبه ۲۳ آن دیوان با مشخصات مندرج در جدول زیر که بر اساس مندرجات دادنامه درج گردیده است مطرح می‌شود.

مشخصات دادنامه

شماره رأی: ۱۶۳

شماره پرونده: ۲۳/۸۴/۲۳۳۳۷

شماره دادنامه: ۱۲۸۳ شماره ۱۲۸۳

تاریخ: ۱۳۸۶/۸/۲۶

شاکی: م-الف

۱. ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری و دادنامه‌های ۱۰۱ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸، ۸۳ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۹، ۱۱۹ مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر مستدل و مستند بودن آرا تأکید نموده‌اند.

طرف شکایت: هیئت بدوی رسیدگی به رای هیئت و تقاضای نقض آن به دلائل مذکور در دادخواست

موضوع شکایت خواسته: اجرا نکردن بخشنامه رئیس جمهور - تقاضای بازگشت به کار
مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری

دادنامه بدین شرح است که: شاکی در دادخواست مطروحه مدعی است در جریان رسیدگی به پرونده تخلفاتی از وی دعوت نگردیده تا نسبت به موارد مطروحه دفاع نماید و اتهام مطروحه علیه مشارالیه موجب نقض هیچگونه مقررات قانونی نبوده است و رای هیئت بسیار شدید است لذا مورد اعتراض شاکی است و تقاضای نقض آن را دارد. مشتکی عنه در لایحه جوابیه اعلام نموده است: موضوع اتهام مشارالیه طی ابلاغیه‌ای منضم به گزارش سازمان بازرسی کل کشور به وی ابلاغ و توسط ایشان امضا شده است لذا ادعای عدم ابلاغ موجه نیست و شاکی بر اساس لایحه‌ای در چهار صفحه در دفاع از خود پرداخته و موضوع اتهام برای وی مشخص بوده و تماماً به اقداماتی اشاره و تأکید نموده تا اتهام منتسبه را توجیه نماید تخلفات مشارالیه علاوه بر اثبات برای بازرسین سازمان بازرسی برای هیئت رسیدگی به تخلفات نیز محرز می‌باشد النهایه عنایتاً به مجموع مراتب و تدقیق در لایحه جوابیه خواننده مراتب مطروح در لایحه موجه تشخیص و معترض اعتراض موجه و موثری به موجب فسخ رای معترض عنه گردد ابراز نموده و رای هیئت از لحاظ مقررات قانونی خدشه‌ای بر آن مشهود نمی‌باشد علی‌هذا مستنداً به ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری شکایت رد می‌شود. این رای قطعی است. رای شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری دارای ایرادات شکلی و ماهوی متعددی است که در بندهای زیر به بررسی آن ایرادات پرداخته خواهد شد.

۱-۲. ایرادات و مسائل شکلی

شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری موضوع شکایت را «اجرا نکردن بخشنامه رئیس جمهور و تقاضای بازگشت به کار» درج کرده است. در حالی که درخواست متهم از دیوان کوچکترین ارتباطی با خواسته‌های مذکور ندارد.

در گردش کار هیچگونه اشاره‌ای به روند پرونده و خواسته شاکی نشده و صرفاً نوشته شده است: «شاکی دادخواستی به طرفیت مشتکی عنه و به خواسته مذکور

تقدیم که پس از ثبت در دبیرخانه دیوان به این شعبه ارجاع و به کلاس مورده اشاره ثبت گردیده است. با توجه به گزارش مدیر دفتر شعبه مبنی بر جری تشریفات قانونی و تکمیل پرونده؛ این شعبه در وقت فوق العاده با حضور اعضاء تشکیل است. ملاحظه می شود طرف شکایت لایحه دفاعیه ارسال کخ (که) تحت شماره ۸۵/۴/۱۷-ل/ه/۸۳۷ در موقع شور، قرائت و مورد بررسی قرار می گیرد. با عنایت به مراتب و منضم به آن در موقع شور، قرائت و مورد بررسی قرار می گیرد. با عنایت به مراتب و اعلام نظر مستشار شعبه در خصوص موضوع شکایت با اعلام ختم رسیدگی بشرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید. «بدیهی است در صورتی که گردش کار به نحو صحیح تنظیم و دست کم به خواسته شاکی در آن اشاره می شد وقوع اشتباه مذکور در بند ۱ غیرممکن می گردید. عبارت «با حضور اعضا تشکیل است» عبارت مناسبی نیست؛ می توان نوشت «با حضور اعضا تشکیل می شود.»

اشتباهات فراوان در درج کلمات در گردش کار و رأی وجود دارد از جمله: در رأی از کلمه «هئیت» به دو صورت مختلف «هیئت» و «هیات» استفاده شده است. آدرس شاکی به جای «شهرک» کلمه «شهبک» قید شده است. در گردش کار به جای «که» کلمه «خ» قید شده است. ضمن آنکه «و» از حروف ربط است و به کار بردن آن بعد از «نقطه» و «اما» مناسب نیست. موضوعی که در رأی به کرات مشاهده می شود. نیم فاصله ها در درج کلماتی مانند «می شود»، «می گیرد» و «م نماید» رعایت نشده است.

۲-۲. ایرادات و مسائل ماهوی

در حقوق اداری، اصل قانونی بودن بدین مفهوم است که دادگاه های اداری و مقامات آن باید به مقررات قانونی احترام بگذارند و اعمال و تصمیمات خود را بر بنیاد موازین قانونی اتخاذ کنند. طبق این اصل، مراجع اداری نمی توانند تصمیماتی را اتخاذ کند که مغایر قانون باشد (امامی، ۱۳۹۲: ۲۵). دیوان عدالت اداری، تصمیمات مرجع اداری را که بدون دلیل اتخاذ شده اند ابطال کرده و اعلام داشته است که اداره باید برای تصمیمی که می گیرد دلیل مبتنی بر قانون اعلام کند (یزدانی و توسلی نائینی، ۱۳۹۷: ۷۸). علی رغم اصل و رویه اشاره شده، شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری بدون توجه به لایحه ارسالی و صرفاً با ادعای مشتکی عنه که

موضوع اتهام به وی ابلاغ شده، تصمیمی را تأیید می‌نماید که به صراحت مقررات و موازین قانونی در آن نادیده گرفته شده است.

تأثیر ملاحظات غیرمرتبط با پرونده و اخذتصمیم به طریقی غیرمعقول می‌توانند در زمره مصادیق سوءاستفاده از صلاحیت یا استفاده ناصحیح اختیارات قرار گیرند (مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). بر این اساس آرا و تصمیمات مراجع اختصاصی اداری در برخی موارد به واسطه عدم رعایت حدود صلاحیت آنان نقض می‌شود. این امر در مواردی ناشی از بی‌دقتی اعضا در رعایت صلاحیت‌های تعیین شده می‌باشد که موجب تجاوز از حدود صلاحیت یا عدم اجرای صلاحیت می‌شود (نجابتخواه و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۹). شایسته بود شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری قبل از ورود به ماهیئت دعوی نسبت به عدم صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی و اتخاذ تصمیم می‌کرد و یا با مردود شناختن ایراد وارد ماهیئت دعوا می‌گردید. زیرا هیئت‌های مذکور صرفاً در خصوص تخلفات اداری دستگاه‌های مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری صالح به رسیدگی هستند، ولی آن شعبه در صدور رأی به ایراد مذکور توجهی نکرده و بر خلاف مفاد دادنامه شماره ۱-۱۳۷۸/۱/۲۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر مراعات قواعد شکلی و رعایت تشریفات رسیدگی در پرونده‌های هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، رأی هیئتی را تأیید کرده که اصولاً صلاحیت رسیدگی نداشته است. ضمن آنکه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۲ صادره در پرونده ۹۹۰۲۴۱۸ - ۹۹۰۲۰۲۴ بخشنامه شماره ۲۶۷۴۵۱ - ۱۳۹۹/۵/۲۶ سازمان اداری و استخدامی کشور که متضمن رسیدگی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری به تخلفات افرادی است که با قراردادهای موضوع قانون کار در سمت‌های اداری یا مدیریتی اشتغال دارند، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص داده است. وقتی هیئت عمومی، مستخدمین مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های دولتی را از شمول صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری خارج می‌سازد، به طریق اولی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو صلاحیت رسیدگی به تخلف شاکه که کارمند امور آب نبوده و صرفاً قرارداد چند ساعته با آن امور منعقد نموده و شاغل در شرکتی که مشمول قانون کار بوده را

نداشته است. موضوعی که علاوه بر ذکر آن در دادنامه‌های فوق‌الاشعار در آرای وحدت رویه به کرات اشاره شده است.

برای تحقق و تضمین حقوق شهروندی، اگر در قانون برای انجام امری تشریفاتى در نظر گرفته شده است، مرجع اداری باید در اتخاذ تصمیم در مورد آن امور، تشریفات مقرر در قانون را رعایت کند. عدم رعایت تشریفات مقرر در قوانین به اعتبار تصمیم اخذ شده خدشه وارد و دیوان عدالت اداری تصمیم مذکور را ابطال می‌کند (یزدانی، رسول، توسلی نائینی، ۱۳۹۷: ۸۴). یکی از تشریفات مقرر در رویه قضایی و مقررات اشاره شده در روند پرونده، رعایت اصل سرعت و ممنوعیت تأخیر در رسیدگی هیئت‌هاست. بدین صورت که هیئت از تاریخ ارجاع پرونده تا زمان صدور رأی حداکثر سه ماه فرصت دارد. براین اساس هیئت رسیدگی به تخلفات اداری موظف است تا ترتیبات لازم را در این زمینه اتخاذ و رأی خود را نماید. ولی شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری عدم رعایت این اصل مهم توسط هیئت رسیدگی به تخلفات اداری که در لایحه به آن اشاره شده را نادیده گرفته است.

شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری بدون توجه به دادخواست متهم که در آن به طور مفصل ایرادات رأی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری منعکس شده است، صرفاً با درج جمله «متهم تماماً به اقداماتی اشاره نموده تا اتهام منتسبه را توجیه نماید» شکایت را رد می‌نماید. شعبه مذکور می‌توانست برای رفع ابهامات اشاره شده در لایحه، تحقیقات لازم را انجام دهد و یا ادله و مستندات را مطالبه و سپس با ملاحظه مستندات شکایت را رد می‌کرد...

مستدل و مستند بودن آرای قضایی یکی از پذیرفته‌ترین اصولی حاکم در هر مرجع قضایی و شبه قضایی از جمله دیوان عدالت اداری است و آرای وحدت رویه ۱۳۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۸، ۱۰۱ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۲۸ و ۱۱۹ مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۴ همگی به مستدل و مستند بودن آراء اشاره دارند. به ویژه وقتی که محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس به صورت قطعی و نامحدود باشد. با مطالعه رأی شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری مشخص می‌شود آن شعبه بدون در نظر گرفتن اصل ۱۶۷ قانون اساسی و بند "چ" از ماده ۵۹ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری هیچگونه استناد و استدلالی در رأی صادره به کار نبرده و نسبت به لایحه مفصل که در رأی فقط به صفحات آن اشاره شده بی‌تفاوت بوده است.

تأیید رای توسط شعبه ۲۳ دیوان نشانگر آن است که آن شعبه با پذیرش کارمند رسمی بودن متهم که برای پست‌های ثابت است، شکایت وی را رد نموده است. ذکر این موضوع به این دلیل است که متهم کارمند دولت نبوده و از این رو محرومیت از شغل حساس آن هم به صورت نامعلوم، نه تنها وجهت قانونی نداشته بلکه تأیید آن برخلاف اصل متناسب بودن مجازات با شرایط متخلفین است. اگر متهم مستخدم دستگاه دولتی هم فرض شود، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری برخلاف مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن به توسعه مجازات تبعی پرداخته و به نحوی آن را مادام‌العمر کرده است. بر این اساس اگر کسی تخلفی مرتکب شود تا پایان عمر حق انتصاب به مشاغل حساس را ندارد و این رأی خلاف آن قانون و طبیعتاً خلاف حق شهروندی است. موضوعی که در رأی شماره ۳۱۴ صادره در پرونده کلاسه ۹۶/۳۸۸ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به آن اشاره شده است. از طرف دیگر مشخص نیست اگر متهم مشمول قانون کار در زمان لازم‌الاجراء شدن رأی هیئت، دارای پست حساس و مدیریتی بود، اجرای رأی که مطابق رأی وحدت رویه شماره ۳۳۹ مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری الزاماً مستلزم تغییر سمت کارمند به مشاغل غیرحساس و غیرمدیریتی در دستگاه‌های دولتی است چگونه اجرا می‌گردید (نکوئی و خانزاده، ۱۴۰۰: ۲۲۴).

به علت عدم توجه شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری به ایرادات و رد شکایت متهم در قالب صدور رأی قطعی و اینکه هیئت عالی نظارت بر رسیدگی به تخلفات اداری مطابق ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری می‌تواند تمام یا بعضی از تصمیمات هیئت‌ها را ابطال نماید، شاکی پیگیری خود را از طریق مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت نیرو ادامه می‌دهد. پس از طرح موضوع در هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو، آن هیئت طی صورتجلسه شماره ۱۸۴ مورخ ۱۰/۲۶/۸۸ ضمن اشاره به اینکه در چندین مرحله عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی به مشاور وزیر وقت و مسئول وقت هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان وزارت نیرو اعلام کرده است ولی با توجه به درخواست‌های مکرر مشارالیه رأی شماره ۱۶۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۸ را انشا نموده است، به صراحت

اشتباه خود را می‌پذیرد. با اعلام اشتباه مذکور به دبیر هیئت عالی نظارت، آن هیئت اعلام می‌نماید با توجه به اینکه اصولاً رسیدگی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری به پرونده نامبرده محمل قانونی نداشته و بر این اساس رأی صادره فاقد اعتبار است و خود به خود کأن لم یکن تلقی می‌گردد. در ادامه مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با ضمیمه نمودن نامه دبیر هیئت عالی نظارت و صورتجلسه شماره ۱۸۴ مورخ ۸۸/۱۰/۲۶ هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو فاقد اعتبار بودن رأی شماره ۱۶۳ مورخ ۸۴/۱۱/۸ را به شعبه بیست و سوم دیوان عدالت اداری ارسال می‌نماید. با اعلام اشتباه احدی از قضات صادر کننده رأی که مستند به نامه مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان صورت می‌گیرد، متهم از شعبه تشخیص دیوان عدالت اداری تقاضای اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ و ابطال رأی شماره ۱۶۳ مورخ ۸۴/۱۱/۸ هیئت را می‌نماید.

۳. بررسی رأی شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری و ایرادات آن

بر این اساس با تشکیل پرونده شماره ۲۰۴/۸۹/تش در شعبه دوم تشخیص دیوان، شاکی امیدوار به نقض رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری می‌شود ولی آن شعبه طی دادنامه شماره ۲۴۱ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۲ با رد اعلام اشتباه قاضی صادر کننده رأی، دادنامه هیئت رسیدگی به تخلفات اداری را مطابق با موازین قانونی تشخیص و اعلام می‌دارد.

مشخصات رأی شعبه تشخیص دیوان عدالت اداری

شماره پرونده: ۲۰۴/۸۹/تش

شماره دادنامه: ۲۴۱

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۲۲

مرجع رسیدگی کننده: شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال رأی شماره ۱۶۳-۸۶/۸/۲۶

شاکی: م-الف

طرف شکایت: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو

رای شعبه دوم تشخیص بدین شرح است: در خصوص اعلام احد از قضات صادر کننده دادنامه شماره ۱۲۸۳-۸/۸۶-۸۶/۸/۲۶ موضوع پرونده کلاسه ۲۳/۸۶/۲۳۳۷ با این توضیح که «... شاکی از کارکنان مشمول قانون کار بوده و تخلفات وی قابل رسیدگی در هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌باشد، مضافاً اینکه مسئول رسیدگی به تخلفات اداری نظر به بررسی تخلفات مشارالیه در کمیته انضباط کار دارد... لذا... صرفنظر از آنکه اعلام اشتباه مستند نمی‌باشد و صراحتاً اعلام نشده که دادنامه مذکور مخالفت بین با کدام ماده قانونی را دارد، نظر به اینکه به موجب مستندات پیوست در پرونده از جمله قراردادهای منعقد شده یکساله با اداره کل امور آب استان و سازمان آب منطقه ای تهران از تاریخ ۱۳۷۵/۲/۱ لغایت ۱۳۸۲؛ مبین کارمند بودن شاکی می‌باشد و به صراحت تبصره ماده ۱ آئین نامه رسیدگی به تخلفات اداری رسیدگی به تخلفات کارمندان قراردادی در صلاحیت هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد. و با توجه به اینکه تخلف ارتكابی توسط کارمند در ایام قرارداد ارایه خدمات کارشناسی با اداره کل امور آب استان صورت گرفته است و همچنین علیرغم استعلام قاضی اعلام کننده اشتباه از مراجع ذیربط، هیچگونه دلیل و مستندی که حکایت از تحت‌الشمول بودن شاکی از مقررات قانون کار باشد ابراز نگردیده، لذا با رد اعلام اشتباه قاضی صادر کننده رای به استناد مواد ۱۶ و ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری دادنامه شماره ۱۲۸۳-۸/۸۶-۸۶ مطابق با موازین قانونی تشخیص و اعلام می‌گردد. این رأی صادره قطعی است». رای صادره از شعبه دوم تشخیص دارای ایرادات شکلی و ماهوی به شرح زیر می‌باشد.

۳-۱. ایرادات و مسائل شکلی

در رأی شعبه دوم تشخیص پسوند نام خانوادگی اشتباه درج شده است. هر چند وقوع چنین اشتباهی قابل تصور است ولی وقتی که به تبعات ناشی از مجازات صادر شده توجه شود در آن صورت بر اهمیت توجه به این موضوع افزوده خواهد شد.

علی‌رغم اینکه هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو در تصمیم خود به صراحت اعلام اشتباه کرده و موضوع عدم صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات اداری به تایید مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان و دبیر هیئت عالی نظارت رسیده و تمامی مدارک مربوط به آن به شعبه

ارایه شده است، مشخص نیست چرا در رأی درج شده است، هیچگونه دلیل و مستندی که حکایت از تحت الشمول بودن شاکی از مقررات قانون کار باشد ابراز نگردیده است. سوال اساسی این است که علیرغم اقرار به اشتباه توسط هیئت صادرکننده رأی و تأیید آن توسط هیئت عالی نظارت آیا نیاز به مدرک دیگری قابل تصور است؟

۳-۲. ایرادات و مسائل ماهوی

هیئت عالی نظارت، مرجع نظارت بر آرا و عملکرد هیئت‌ها است. نظارت هیئت عالی نظارت، نسبت به نظارت قضایی دیوان عدالت اداری قوی‌تر، گسترده‌تر و موثرتر است (صادقی مقدم و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۸۹: ۲۲۵). زمانی که هیئت عالی نظارت بر فاقد اثر بودن رأی هیئت تخلفات اداری تصریح می‌نماید قرار گرفته است. این در حالی است که در بند الف ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز به صراحت قید شده است؛ هیئت عالی نظارت می‌تواند در صورت مشاهده عدم رعایت قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه در مورد احکامی که در اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری و مقررات مشابه صادر شده یا می‌شود بررسی و اتخاذ تصمیم‌نماید. موضوعی که در آرای صادره از هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۸۰۳ مورخ ۸۷/۱۱/۳ کلاسه پرونده ۷۶۱/۸۷، دادنامه شماره ۳۵۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۷ کلاسه پرونده ۱۹۲/۸۰ و دادنامه شماره ۶۱ و ۶۲ مورخ ۸۰/۲/۳۰ کلاسه پرونده ۴۳۸/۷۸ و ۴۲۳/۷۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری همواره مورد توجه قضات قرار گرفته است (بابازاده و یآوری، ۱۳۹۳: ۱۵). همانگونه که از گردشکار پرونده مشخص است، شعبه مذکور، مستند رد شکایت شاکی را قراردادهای یک‌ساله منعقد با اداره کل امور آب استان و سازمان آب منطقه‌ای تهران و مبین کارمند بودن شاکی دانسته است. در حالی که منظور از کارمند، شخصی است که با شرایط خاص مذکور در قانون به صورت قراردادی، پیمانی، دائمی، ثابت، رسمی و یا مأمور به خدمت در ادارات و سازمان‌های مشمول قانون خدمات کشوری مشغول به خدمت باشد. در حالیکه به موجب بندهای مذکور در همان قراردادهای مورد استناد شعبه تشخیص، شاکی صرفاً در ساعاتی محدود و بدون پرداخت بیمه مشغول خدمت بوده است. حداقل شعبه

تشخیص برای کشف حقیقت می‌توانست حکم استخدام رسمی متهم که به کرات منکر آن شده است را درخواست نماید. شعبه تشخیص با نادیده گرفتن آرای صادره از هیئت عمومی از جمله رای وحدت رویه شماره ۱۷۴۵ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ مبنی بر اینکه استخدام رسمی مستلزم اخذ مجوز از سازمان اداری و استخدامی است، متهم مشمول قانون کار را بر اساس درج کارمند رسمی در تصمیم هیئت تخلفات اداری، وی را کارمند رسمی تلقی و رأی را تأیید کرده است. آن شعبه همچنین دادنامه شماره ۵۷۵ - ۸۳/۱۱/۱۸ که مستند به ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مشمولین قانون کار را از شمول تبصره ذیل ماده یک فصل اول آیین‌نامه اجرائی خارج کرده نادیده گرفته است. از طرف دیگر با فرض اینکه متهم کارمند دستگاه دولتی باشد در آن صورت نیز با وجود قرارداد استخدامی یک ساله صدور رأی بر محکومیت دائمی از انتصاب به مشاغل حساس، هیچگونه تناسبی با شرایط شاکی نداشته است.

علاوه بر اذعان هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو بر عدم صلاحیت که در تصمیم دیگری به آن اشاره شده است، مدارک بسیار دیگری که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد به شعبه ارائه شده بود ولی شعبه تشخیص بدون توجه به مدارک ارسالی رأی را تأیید کرده است. قابل توجه است در این راستا آرای بسیاری نیز از شعبات مختلف دیوان عدالت اداری صادر شده که حکایت از تحت شمول بودن قانون کار بر محل خدمت شاکی داشته است.

علی‌رغم اینکه در تصمیم هیئت عالی نظارت صراحتاً بر فقدان اعتبار رأی صادره و کأن لم یکن تلقی شدن آن گردیده بود، ولی به دلیل عدم ذکر ابطال رأی در آن تصمیم و بیم شاکی از عدم قبول آن توسط شرکت محل کار، تقاضای اعمال ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری برای ابطال رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری را می‌نماید. همچنین هرچند بر لزوم تعیین مدت در مجازات محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس در قانون رسیدگی به تخلفات اداری تصریح نشده است ولی از آنجایی که منطوق و عدالت حکم می‌کند که هیچ مجازاتی بدون پایان نبوده و محدود به مدت معین باشد، دائمی بودن محرومیت از انتصاب به مشاغل حساس نیز دلیل دیگر تقاضای اعاده دادرسی شاکی بوده است.

۴. بررسی رأی مجدد شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری و ایراد آن

با درخواست اعمال ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری توسط متهم، پرونده در شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری مطرح و رأی زیر صادر می‌شود.

مشخصات رأی مجدد شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری

شماره پرونده: ۲/تش/۸۹/۳۸۰

شماره دادنامه: ۹۰۵۲۰۰۱۸۰

تاریخ: ۹۰/۵/۱۹

مرجع رسیدگی کننده: شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت و خواسته: اعاده دادرسی نسبت به دادنامه شماره ۲۴۱ مورخ ۸۹/۹/۲۲

صادر در پرونده کلاسه ۲۰۴/۸۹/۲

شاکی: م- الف

طرف شکایت: هیئت رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو

«نظر به اینکه به موجب ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری در صورتی که یکی از طرفین بعد از صدور رأی مدارک جدیدی تحصیل نمایند که موثر در رأی باشد می‌تواند با ارایه مدارک جدید از شعبه صادر کننده رأی تقاضای اعاده دادرسی نماید و اینکه در مانحن فیه شاکی دلیل و مدرک موثری که دلالت بر شمول مقررات قانون کار نسبت به رابطه استخدامی با اداره متبوع خود نماید ارائه ننموده بنابراین مدارک ابرازی موثر در رأی تشخیص نگردیده و قرار رد اعاده دادرسی صادر و اعلام می‌شود.»

۴-۱. ایرادات و مسائل شکلی

صرف نظر از ایرادات ادبی بسیار مانند اینکه حذف فعل به قرینه لفظی به نحو صحیح صورت نگرفته است و اینکه به جای «شرح دادخواست»، «شرح دادخواست» نوشته شده است، مهم‌ترین ایراد دادنامه در خصوص مسائل ماهوی به شرح زیر است:

۴-۲. ایرادات و مسائل ماهوی

مهم‌ترین ایراد ماهوی رأی مجدد شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری این است که در بررسی دوباره نیز به مدارک ارایه شده توسط متهم، از جمله سابقه پرداخت بیمه و مکاتبه محل کار متهم که به صراحت حاکی از شمول قانون کار بر وی می‌باشد توجهی نکرده و رأی هیئت را قانونی دانسته است. در حالی که به

صراحت در تبصره ماده ۴ قانون استخدام کشوری و آرای وحدت رویه‌ای که در فوق به آن‌ها اشاره شد، افرادی که طبق مقررات قانون کار به خدمت دولت مشغول می‌شوند و افرادی که طبق قوانین خاص خود کارگر شناخته شده‌اند با آنان طبق مقررات قانون کار رفتار خواهد شد و مشمول مقررات قانون استخدام کشوری نیستند. شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری در بررسی مجدد نیز بدون در نظر گرفتن قانون استخدام کشوری و اینکه مبنای اصلی صدور آرای وحدت رویه برای جلوگیری از تشتت نظام قضایی است، شکایت شاکی را رد کرده است. چراکه در صورت وجود تعارض در مفاد آرای صادره، بی‌شک یکی از آن‌ها اشتباه بوده یا منطبق با هدف آن قانون نیست و از این نظر به تضييع حقوق برخی از اصحاب دعوا منجر خواهد شد (ابریشمی‌راد و آئینه نگینی ۱۳۹۸: ۹۳).

با تقاضای اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری شعبه سوم تشخیص دیوان وارد رسیدگی شده و در نهایت با اشاره به مدارک موجود در پرونده، حکم به ورود شکات شاکی و نقض رأی هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری وزارت نیرو را پس از گذشت بیش از یک دهه وارد تشخیص می‌دهد.

۵. رأی شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری و نکات مثبت رأی

مشخصات رأی سوم تشخیص دیوان عدالت اداری

شماره پرونده: ۸۴۰۹۹۸۰۹۰۰۰۹۵۷۲۶

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۳۰۰۱۶۴

تاریخ: ۱۳۹۳/۲/۲۹

موضوع: اعمال ماده ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ نسبت به دادنامه

صادر از شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری به شماره ۱۲۸۳-۸۶/۸/۲۶ مطروحه در در

کلاس ۲۳۳۷/۸۴/۲۳

مرجع رسیدگی: شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری

شاکی / در پرونده شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری: م-الف

طرف شکایت: هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان وزارت نیرو

موضوع خواسته: نقض رأی معترض عنه

۱۳۹۲ دادنامه شماره ۱۲۸۳-۸۶/۸/۲۶ صادره از شعبه ۲۳ دیوان عدالت اداری نقض و حکم بر ورود شکایت شاکی و نقض رأی معترض‌عنه به شماره ۱۲۸۳-۸۶/۸/۲۶ جهت رسیدگی مجدد با مراعات مفاد آن رأی صادر و اعلام می‌گردد.»

۵-۱. ایرادات و مسائل شکلی

در رأی پسوند نام خانوادگی شاکی درج نشده است. نام پدر شاکی به اشتباه «احمد علی» ذکر شده است.

۵-۲. ایرادات و مسائل ماهوی

با مطالعه رأی مشخص خواهد شد که آن رأی فاقد ایرادات ماهوی و دارای نکات مثبت بسیاری است. اینگونه آراء اصرداری از شعب، ضمن تقویت و اعتلای جایگاه دیوان، درعمل نیز موجب حمایت و صیانت بهتر و بیشتر از حقوق شهروندان می‌شود و تأکید رویه قضایی دیوان در شناسایی اصول دادرسی منصفانه ضمن تثبیت این اصول در مراجع اختصاصی اداری می‌توانند موجب به رسمیت شناختن آن‌ها در رویه قضایی نیز گردد (آقای طوق و مردانی، ۱۴۰۰: ۱۷۹).

برخلاف گردش کار شعبه ۲۳ و شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری که گردش کار آن بسیار مجمل است، خلاصه جریان تنظیم شده توسط شعبه سوم تشخیص، مشخص کننده کلیه مراحل رسیدگی قبلی و ذکر دقیق خواسته شاکی است. شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری با ذکر شماره اوراق پرونده به دلایل شاکی مبنی بر اینکه وی مشمول قانون کار است اشاره کرده و دقیقاً آن اوراق را مستند صدور حکم بر ورود شکایت قرار داده است. این در حالی است که سایر مراجع رسیدگی کننده و به ویژه شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری در هر دو مرحله رسیدگی بدون مطالعه آن اوراق که ضمیمه پرونده بوده با درج این جمله که چون دلیل و مدرکی که دلالت بر شمول مقررات قانون کار بر شاکی باشد ارائه نشده است شکایت را رد می‌نماید.

در رأی صادره از شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری، دومین دلیل ورود شکایت شاکی را مندرجات صورتجلسه شماره ۱۸۴-۸۸/۱۰/۲۶ هیئت ویژه رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان حوزه ستادی وزارت نیرو که در آن قید

شده است آن هیئت از ابتداء خود را صالح به رسیدگی به تخلفات شاکی نمی‌دانسته و به درخواست مکرر مشاور وزیر وقت و مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مبادرت به رسیدگی و انشاء رأی نموده دانسته است. از این رو وقتی که هیئت رسیدگی به تخلفات اداری تابع قانون نبوده اصل حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های افراد به خطر خواهد افتاد (طباطبائی موتمنی، ۱۳۸۵: ۴۴۹). موضوعی که شعبه دوم تشخیص دیوان عدالت اداری با دو مرحله تأیید کردن رأی هیئت رسیدگی به تخلفات اداری بر اقدام مغایر قانون که بر آن اذعان داشته اصرار ورزیده است.

از نکات مثبت دادنامه شعبه سوم تشخیص این است که آن شعبه با نقض قرار شعبه بدوی در اساس شکایت و اعتراض شاکی رسیدگی و رأی مقتضی صادر نموده است، موضوعی که در سال ۱۴۰۰ موجب صدور رأی شماره ۳۵۲ صادره در پرونده شماره ۸۸/۳۱۵ مورخ ۱۳۸/۴/۲۸ از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری گردید.

نتیجه

با مطالعه روند طولانی طی شده برای نقض رأی مشخص می‌شود عدم توجه هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری به اصل مهم صلاحیت برای رسیدگی و صدور تصمیم مغایر با قوانین و مقررات چگونه موجبات تشکیل پرونده‌های متعدد در شعبات دیوان عدالت اداری را فراهم خواهد آورد. از طرف دیگر تأیید آرای مذکور توسط دیوان عدالت اداری و عدم توجه شعب تشخیص به مستندات شاکی و صدور آرای قطعی بر اطلاع دادرسی خواهد افزود. در صورتی که شعب تشخیص به اعلام اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر عدم صلاحیت رسیدگی و تأیید آن توسط هیئت عالی نظارت تخلفات اداری توجه و رأی صادره را ابطال می‌کردند هرگز هزینه‌های فراوانی برای رسیدگی‌های متعدد مصرف نمی‌شد. علاوه بر اعلام اشتباه اعضای هیئت رسیدگی به تخلفات اداری، احدی از قضات صادرکننده رأی بدوی دیوان عدالت اداری نیز اعلام اشتباه کرده است که بایستی مورد بررسی شعبات تشخیص قرار می‌گرفت. اگر پرونده توسط شعبات تشخیص که صلاحیت پژوهشی و بررسی ماهوی دارند مورد بررسی قرار می‌گرفت، حداقل نام خانوادگی و نام پدر وی به کرات در آرای صادر شده به اشتباه درج نمی‌شد. همچنین اگر به اشتباه فاحش هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مبنی بر درج کارمند رسمی که شرایط خاص داشته و باید دارای حکم رسمی برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی باشد توجه می‌کردند، به طور قطع از اطلاع دادرسی و صرف هزینه‌های بسیار از بودجه عمومی برای رسیدگی به آن پرونده‌ها در طی بیش از ده سال و ایراد ضرر و زیان‌های مادی و روانی برای متهم جلوگیری می‌شد. بررسی و کنکاش در پرونده فوق می‌تواند علاوه بر اینکه هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری از اشتباهات فاحش برحذر می‌شوند بلکه از تشکیل پرونده‌های متعدد در دیوان عدالت اداری جلوگیری کرده و بدین وسیله به دیوان مجال رسیدگی به پرونده‌های مهمتر و ایجاد وحدت رویه را خواهد داد.

فهرست منابع

- حقوق اداری، چاپ شانزدهم، امامی، محمد(۱۳۹۲) تهران، انتشارات سمت.
- حقوق اداری تطبیقی، طباطبائی موتمنی، منوچهر(۱۳۸۵)، تهران، انتشارات سمت.
- فصلنامه علمی پژوهشهای نوین حقوق اداری، آقای طوق، مسلم، مردانی، سجاد (بهار ۱۴۰۰)، «استناد به اصول حقوقی در آرای دیوان عدالت اداری» سال سوم، شماره ششم؛ صفحات ۱۶۲ تا ۱۹۵.
- فصلنامه دانش حقوق عمومی، ابریشمی‌راد، محمد امین، آئینه‌نگینی (پاییز ۱۳۹۸)، «نقد صلاحیت دیوان عدالت اداری در صدور رأی وحدت رویه»، سال هشتم، شماره ۲۵، صفحات ۸۵ تا ۱۰۲.
- مجله تحقیقات حقوقی آزاد، بابازاده، وحید، یاوری، اسداله(دی ۱۳۹۳)، «مفهوم صلاحیت‌گزینشی در آرای دیوان عدالت اداری»، دوره ۷، شماره ۲۵، شماره پایانی ۲۵، صفحه ۱-۳۲.
- فصلنامه دانش حقوق عمومی، حسینی، سید حسین، حسینی، سیده ساعده و صالح‌آبادی، زهرا (۱۴۰۰)، «ضرورت رعایت اصول کلی حقوق کیفری در رسیدگی به تخلفات اداری» (تابستان ۱۴۰۰)، سال دهم، شماره ۳۲، صفحات ۱ تا ۱۸.
- فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صادقی مقدم، محمد حسن، میرزاده کوهشاهی، نادر، نظارت‌پذیری هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، دوره ۴۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۲۲۶-۲۰۷.
- فصلنامه حقوق اداری، گرجی‌ازندریانی، فتحی، یونس، آسیب‌شناسی فراین دادرسی در هیات‌های رسیدگی به تخلفات اداری: تاملی پیرامون یک الگوی مطلوب، سال سوم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صفحات ۲۹-۵۲.
- فصلنامه تحقیقات حقوقی، مشهدی، علی(آذر ۱۳۹۵)، «تاملی بر نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر صلاحیت‌های تشخیصی در پرتو ماده ۶۴ قانون دیوان»، دوره ۱۹، شماره ۷۴، صفحات ۱۹۳-۲۱۰.
- دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، نجابتخواه، مرتضی و فاطمه افشاری، سیدشهاب‌الدین موسوی‌زاده «آسیب‌شناسی ساختار و صلاحیت‌های مراجع اختصاصی اداری در حقوق اداری ایران» (بهار و تابستان ۱۳۹۶). شماره ۷۷ و ۷۸، صفحات ۱۹۹ تا ۲۲۴.

- فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، نکوئی محمد، «آسیب شناسی آراء هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان از منظر اصول دادرسی عادلانه (با تأکید بر آراء دیوان عدالت اداری)» (زمستان ۱۴۰۰)، سال سوم، شماره نهم؛ صفحات ۱۸۹ تا ۲۲۳.
- نکوئی، محمد. خانزاده، ابراهیم (پاییز ۱۴۰۰) «اعاده به وضع سابق پس از نقض آراء محکومیت قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری»، فصلنامه حقوق اداری سال نهم، شماره ۲۸، صفحات ۲۱۳ تا ۲۳۰.
- فصلنامه تحقیقات حقوقی خصوصی و کیفری، یزدانی، رسول، توسلی نائینی، منوچهر (زمستان ۱۳۹۷) «نقش دیوان عدالت اداری در تحقق و تضمین حقوق شهروندی»، شماره ۳۸، ۳۸، صفحات ۶۷ الی ۹۸.